



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۳ rd.

Year/NO: ۴ / Autumn ۲۰۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

بررسی جرم شناختی فضای مجازی در تکوین جرم

لیلا پورنجفی قوشچی^۱ حسین فخر بناب^۲ بابک پورقهرمانی^۳

چکیده

فضای مجازی علاوه بر این که شیوه ارتکاب جرایم سستی را دستخوش تغییر ساخته، همچنین موجب تولید جرایم نوینی گردیده است که با ظهور اینترنت پا به عرصه هستی گذاشته اند. نظریه گستردگی عواقب مخرب جرایمی که در فضای مجازی و یا با بهره گیری از آن ارتکاب می یابد، مطالعه علمی این جرایم، با تعمق بر علل گرایش کاربران به بزهکاری های مجازی و نیز بررسی عوامل تاثیرگذار در بزه دیدگی افراد در فضای سایبری، جهت حذف یا محدودسازی عوامل جرم زا و به کارگیری تدابیری مبنی بر مهار بزهکاری ضروری به نظر می رسد. این مهم مستلزم استفاده از مبانی نظری و یافته های جرم شناختی، می باشد. پژوهش حاضر در صدد است از رهگذر نظریه های مختلف جرم شناسی با رویکردهای بزهکارمدار و بزه دیده مدار و ... به بررسی علمی جرایم اینترنتی بپردازد، چنین مطالعاتی می تواند متولیان سیاست جنایی اعم از تقنینی و قضایی را در اتخاذ راه کارهای عملی مبنی بر پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی مجازی، به مسیر علمی آن رهنمون سازد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، بزهکاری مجازی، جرایم اینترنتی، بزه دیدگی مجازی، پیشگیری از جرم

۱- دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرمشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. lealapornajafi@yahoo.com

۲- دانشیار گروه حقوق کیفری و جرمشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). fakhrhossein36@gmail.com

۳- دانشیار گروه حقوق کیفری و جرمشناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. b.pourghahramani@yahoo.com

مقدمه

امروزه نقش بی بدیل اینترنت در زندگی روزمره انسان ها، به عنوان یک رسانه جهان شمول برکسی پوشیده نیست. اینترنت در کنار مواهب و مزایایی که دارد؛ «ابزارهای کارآمدتروفرصت های قابل دستیابی تری جهت ارتکاب جرم در اختیار کاربران مستعد بزهکاری قرار می دهد» (Reyne & Henson, 2013, p. 311) که چه بسا بدون وجود فضای مجازی این جرایم به منصف ظهور نمی رسیدند حداقل به این سرعت و وسعت امکان تحقق پیدا نمی کرد. در واقع امکان گذار از محیط های حقیقی به محیط مجازی از نگاه و توجه بزهکاران مغفول نمانده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص. ۲۵)

باری دوزیست شدن انسانها- «زیست حقیقی» و «زیست مجازی»- و دوگانه شدن فعالیت ها و روابط اشخاص و به تبع آن دوگانه شدن بزهکاری، جرم شناسان و جامعه شناسان جنایی را به سوی مطالعه علت شناختی و نظریه پردازی در حوزه بزهکاری سایبری سوق داده است. (همان)

یکی از دیدگاه هایی که نسبت به رسانه ها و از جمله اینترنت در زمینه جرم شناسی وجود دارد، اعتقاد به تاثیر منفی رسانه ها از حیث تهدید اخلاق و قانون است چراکه تصویری شود رسانه ها و به خصوص رسانه های تعاملی همچون اینترنت، به علت داشتن مخاطبینی از سراسر جهان و دسترسی طیف وسیعی از مردم به آن، در فرایند جامعه پذیری و جهت دهی فرهنگی مخاطبین خود نقش عمده ای داشته و در مواردی الگوهای رفتاری و مفاهیم متضادی را ترویج می نمایند که بعضا غیر اخلاقی و مجرمانه می باشند و معاشرت مکرر کاربران مستعد، با افرادی گروه های مروج الگوهای مجرمانه در فضای مجازی، منجر به یادگیری و ارتکاب جرم توسط آنان می شود.

همچنین به موازات توسعه فضای مجازی، بخش عمده ای از جرایم سستی که در فضای مادی محقق می شده است، به فضای مجازی نیز سرایت پیدا کرده است و نسبت به سابق با حجم گسترده تری ارتکاب می یابد. ضمن اینکه گونه های نوینی از جرم، در این فضا ایجاد شده است که در فضای مادی قابل تحقق نبوده و نیست. در واقع با ظهور فضای مجازی نه تنها فرصت های جدیدی جهت ارتکاب جرایم سستی نظیر کلاهبرداری فراهم شده، همچنین با پیدایش این فضا جرایمی جدیدی مانند هک کردن، محقق می گردند که تا قبل از پیدایش اینترنت، مسبق به سابقه نبوده اند.

جهت مقابله با تاثیر فضای مجازی در تکوین جرم، همچون فضای مادی، ابتدا باید به مطالعه علمی جرم پرداخته شود تا بتوان از طریق شناسایی علل وقوع جرم، تدابیر پیشگیرنده لازم را اتخاذ نمود. به عبارت دیگر در فضای مجازی نیز همچون فضای مادی، بدون جستجوی علل وقوع جرم، ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری و مقابله با جرم، غیر ممکن خواهد بود. فرضیه های پژوهش حاضر بدین قرار است:

فضای مجازی و اینترنت به دلیل تعاملی بودن، سهولت و سرعت در دسترسی بدان و گمنامی نسبی هویت کاربران این عرصه، می تواند در ترویج رفتارهای مجرمانه سهم بسزایی داشته باشد.

با پیدایش اینترنت فرصت های جدیدی برای ارتکاب جرایم خاص فضای سایبری مهیا شده است، که تا قبل از ظهور این فضا، قابل تحقق نبوده اند.

شناسایی میزان سهم فضای مجازی در تحقق و توسعه جرایم، می تواند یک سیاست جنایی کارآمد را در راستای پیشگیری از جرایم سایبری، رقم بزند.

هرچند می توان با استفاده از نظریه های عام جرم شناسی، به تبیین نقش فضای مجازی در تکوین وقوع جرم پرداخت، ولی برخی همچون جیشانکار،^۱ نظریه های متعارف را جهت تحلیل جرم در فضای مجازی کافی ندانسته و نظریه هایی جدیدی در این راستا مطرح نموده اند.

در این پژوهش به بررسی جایگاه اینترنت و فضای مجازی در بروز رفتارهای مجرمانه و غیر اخلاقی می پردازیم. در این راستا از نظرات مختلف جرم شناسی برای تحلیل موضوع بهره خواهیم گرفت.

این مقاله در سه بخش تنظیم گشته است که در بخش اول با استفاده از نظریه های عام جرم شناسی که در خصوص فضای مادی مطرح شده است، به تبیین جرم در فضای مجازی می پردازیم و در بخش دوم با عنایت به نظریه خاص «انتقال فضا» که در مورد فضای مجازی مطرح شده است، به تحلیل جرایم اینترنتی خواهیم پرداخت. تازگی نظریه اخیر و ضرورت تفصیل فرضیه های مطرح در آن، باعث گردید در بخشی مستقل بدان پرداخته شود. در فصل سوم اهمیت مطالعات علمی جرم را در راستای اتخاذ تدابیر پیشگیرنده بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. نظریه های عام جرم شناسی در تبیین نقش فضای مجازی در وقوع جرم

این مبحث با بهره گیری از نظریات مختلف جرم شناسی، به نقش اینترنت و فضای مجازی در فراهم آوردن فرصت های ارتکاب جرم و بروز رفتارهای مجرمانه در دو محور نظریه های بزهکار محور و نظریه های بزه دیده محور خواهد پرداخت.

۱-۱-۱. نظریه های بزهکار محور

در بررسی نظریه های جرم شناسی، تحلیل اندیشه های مرتبط با بزهکاران، از جهت آگاهی از عوامل و انگیزه های سوق دهنده آنها به ارتکاب جرم، جهت اتخاذ تدابیری در راستای مقابله با آن، امری ضروری به نظر می رسد.

از این رو تاثیر فضای مجازی در وقوع جرم، با عنایت به نظریه های عام جرم شناسی همچون نظریه های معاشرت ترجیحی، جرم شناسی رسانه و فرهنگ، نظریه تعارض فرهنگی، بررسی می شود تا از طریق شناخت بهتر مساله، زمینه لازم جهت توجیه اقدامات لازم مبنی بر مبارزه با جرایم فضای مجازی فراهم شود.

۱-۱-۱-۱. نظریه معاشرت ترجیحی^۲

بر اساس این نظریه که توسط ادوین ساترلند^۳ ارائه شده است رفتار مجرمانه بر اثر تعامل با اشخاص دیگر آموخته می شود. در این فرایند یادگیری، هم فنون ارتکاب رفتار مجرمانه و هم انگیزه های انجام آن آموخته می شود. (رحیمی نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۹۰) و هنگامی که تعاریف موید قانون شکنی، قوی تر و مطلوب تر از تعاریف مخالف قانون شکنی باشد، فرد به بزهکاری روی می آورد. (محسنی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۸) بدیهی است که تاثیر این معاشرت ها تابعی از طول مدت تماس، میزان تماس و حجم آن است و گروه هایی که فرد با آنها تماس مکرر داشته و مدت زمان زیادی در تعامل با آنها بوده است، بیشترین تاثیر را بر رفتار او خواهند گذاشت.

^۱ Karuppannan Jaishankar

جرم شناس هندی، سردبیر مجله بین المللی جرم شناسی سایبر، که صاحب تحقیقات و تالیفات بسیار در حوزه جرم شناسی فضای سایبری می باشد.

^۲ Differential Association

^۳ Edwin H. Sutherland

هرچند این نظریه در خصوص تحلیل جرایم سنتی دردنیای حقیقی ارائه شده ولی نظریه قابلیت آن در توضیح انواع فعالیت های مجرمانه، در خصوص یادگیری جرم از طریق معاشرت در فضای مجازی نیز کارایی دارد. چون به علت وجود ارتباطات بدون مرز در اینترنت، در این فضا نیز گروه های مجرمانه می توانند با افرادی در نقاط مختلف جهان ارتباط برقرار کرده و الگوهای مجرمانه خود را ارائه دهند و کاربران به حاشیه رانده شده در فضای حقیقی نیز، در اثر معاشرت با این گروه ها که از طریق شبکه های اجتماعی، چت روم ها و وبسایتها ممکن می گردد، فنون وانگیزه های ارتکاب جرم را می آموزند. نظریه اینکه در اینترنت محدودیتی از جهت مدت و تواتر دسترسی به صفحات وب جهت برقراری ارتباط با مجرمین وجود ندارد، می توان اذعان داشت در مقایسه با فضای واقعی، معاشرت های ترجیحی در این فضا به طور گسترده ای قابل تاثیر گذاری است.

از جمله گروه های مهم معاشرت ترجیحی، که افراد مستعد بزهکاری از طریق فضای مجازی با آنان تعامل می کنند، گروه های تروریستی می باشد. برخی از افراد جامعه از جمله جوانان، گاه به علت وجود تبعیض در سرزمین محل زندگی خود و در نتیجه احساس عدم تعلق به آنجا و کسب حمایت لازم از گروه های تروریستی، با آنها به صورت مجازی معاشرت نموده و به علت تواتر معاشرت، معانی موافق با تروریسم را قبول کرده و این تعاریف را با نظام اعتقادی خویش عجین می نمایند. (جیشانکار، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۵) این امر در زندگی واقعی آنها نیز تاثیر گذاشته و چه بسا ممکن است منجر به عضویت آنان در گروه های مورد نظر شده و حتی به ارتکاب اعمال تروریستی منجر گردد.

گروه های دیگری که در این راستا قابل ذکر است گروه هکرها می باشد که از اقصی نقاط دنیا بوسیله معاشرت های مجازی، شیوه ها وانگیزه های هک کردن را از هم دیگرفرا می گیرند. وجود هزاران وبسایت مرتبط با آموزش تکنیک های هک و در نتیجه دستگیری هکهای جوان و نوجوان که امروزه در رسانه های مختلف کشور و دنیا بازتاب خبری دارد، شاهدی بر این ادعا است.

۱-۱-۲. نظریه تعارض فرهنگی

برخی از جرایم ارتكابی متأثر از اینترنت با توجه به نظریه تعارض فرهنگی قابل تبیین است. طبق این نظریه که توسط توماس سلین ارائه شده است قواعد و هنجارهای حاکم بر رفتار انسان ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است و جرم حاصل کشمکش ها و نزاع های موجود میان این هنجارها و قواعد است. (رحیمی نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۹۳) طبق این نظر، هر چقدر جوامع ناهمگن تر باشند، هنجارهای رفتاری مشترک کمتر بوده و در نتیجه آمار جرم بیشتر خواهد بود. (Black, ۲۰۱۴, p. ۲) در واقع از نظر سلین دو نوع تعارض فرهنگی وجود دارد که عبارتند از: تعارض اولیه و تعارض ثانویه.

تعارض و منازعه اولیه، وقتی است که دو فرهنگ مختلف از حوزه ها و کشورهای مختلف بر رفتار حاکم باشد. تعارض فرهنگی ثانویه، هنگامی است که فرهنگ یک گروه خاص با فرهنگ گروه بزرگتر در داخل یک جامعه در تعارض باشد. (رحیمی نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۹۳)

تعارض فرهنگ ها از نوع اولیه معمولاً در بستر مهاجرت یا استعمار رخ می دهد. شاید در نگاه نخست این گونه تصور شود که این نظریه در خصوص توجیه جرایم سنتی دردنیای واقعی، مطرح شده است. چراکه عوامل تعارض فرهنگی اعم

از مهاجرت و یا استعمار فقط در دنیای واقعی رخ می دهد، پس نمی توان آن را به جرایم متأثر از فضای مجازی ارتباط داد. در حالی که نمی توان انکار کرد که امروزه به لطف اینترنت و از طریق پست هایی که در فضای مجازی منتشر می شود، مردم سراسر جهان این امکان را پیدا کرده اند که از محل زندگی، سبک زندگی، کار و طرز تفکر دیگران در دورترین نقطه جهان اطلاع کسب نمایند. متأسفانه تأثیر و تأثر ناشی از این ارتباطات به صورت متقابل نیست زیرا عمدتاً شرکت های تجاری بین المللی عظیم الجثه با استفاده از همین امکان به ترویج تولیدات خود پرداخته و با جهت دادن به سلیق و احساسات کاربران، موجب مصرف زدگی هر چه بیشتر کاربران اینترنتی، به ویژه شهروندان کشورهای در حال توسعه می شوند (Dolunay, 2017, p. 11) پس با اندکی تأمل درمی یابیم همان گونه که قبض بازارهای جهانی با استفاده از اینترنت و با تحت تأثیر قرار دادن کاربران از راه دور میسر است، تحقق جرایم ناشی از برخورد فرهنگ های مختلف و متعارض نیز، لزوماً نیازمند حضور فیزیکی افراد در حوزه کشورهای دیگر به عنوان مهاجرو یا استعمارگر نیست. زیرا به علت جهانی بودن و فرامرزی بودن اینترنت، هر کاربر بدون مهاجرت فیزیکی، در داخل کشور خود با مولفه های فرهنگی کشورهای مختلف جهان مواجه می شود که برای او نا آشنا می باشد، فلذا ممکن است دچار تعارض شده و بر حسب علاقه به تطبیق خود با فرهنگ مورد نظر تمایل پیدا کند. غافل از اینکه قواعد رفتاری مورد نظری، هر چند در فرهنگ کشورهای دیگر جرم قلمداد نمی شود (نظیر جرایم جنسی توأم با رضایت در کشورهای اروپایی) ولی در قلمروی کشوری که او زندگی می کند، جرم بوده و گاه مجازات سنگین تری نیز دارد.

۱-۳- رسانه و جرم

تردیدی نیست که هر رسانه بعضاً به دلیل برداشت نادرست مخاطبینش از محتوای آن رسانه و گاه به علت ترویج مستقیم یا غیر مستقیم جرم، ممکن است ایجاد فرهنگ بزهکارانه را در مخاطبین خود رقم بزند. تأثیر منفی برنامه های رسانه ای بر کودکان و نوجوانان، که هنوز از قدرت تحلیل و تفسیر ناتوان هستند (آقایی، ۱۳۹۶، ص. ۳۱) و نیز بر آنانی که فاقد سواد رسانه ای هستند، به مراتب بیشتر از دیگران است. در این خصوص نفوذ اینترنت به عنوان ابر رسانه عصر معاصر به دلیل جهان شمولی و نیز ارتباط دوسویه آن با مخاطبین، چشم گیرتر است. حضور بلا منازع اینترنت در زندگی روزمره شهروندان باعث گردیده است که بیشتر دانسته های مردم در ارتباط با امور مختلف زندگی حول محور فضای مجازی بچرخد. این آموزه ها با معرفی الگوهای فکری و فرهنگی مختلف، در جهت دهی ارزش ها و باورهای مردم تأثیری انکارناپذیری داشته و گاه زمینه فرهنگی مستعدی برای سوق دادن آنها به انواع جرایم و انحرافات فراهم می آورد.

دسترسی جهانی به فضای مجازی از جمله اینترنت، علاوه بر اینکه باعث می شود مجرمین با به اشتراک گذاشتن محتوای غیر قانونی و خلاف اخلاق، از طریق ارتباطات برخط و شبکه های اجتماعی و در نتیجه جلب توجه کاربران، به تدریج بر افکار و عقاید آنها تأثیر گذارند، همچنین باعث حساسیت زدایی آنان نسبت به قبح رفتارهای غیر قانونی و مجرمانه شده و در نتیجه موجب گرایش آنان به اعمال مجرمانه شوند.

وانگهی وجود فضای مجازی اشکال جدیدی از بزهکاری و بزه دیدگی از جمله آن؛ راه اندازی سایتهای نفرت، حملات سایبری، سوء استفاده جنسی از کودکان و انتشار ویروس را ایجاد نموده است که همه این جرایم با نگاه جرم شناختی نسبت به اینترنت قابل تحلیل و بررسی است به طوری که گفته می شود در حوزه رسانه، مفاهیم، تعاریف و تجربه جرم و کنترل آن متحول شده است و این امر چالش های جدیدی فراروی جرم شناسان رسانه ایجاد نموده

است. (Greer, 2013, p. 20) در واقع می توان گفت از منظر جرم شناسی رسانه، تحلیل فضای مجازی و اینترنت ازدو جهت واجد اهمیت بررسی است، اول اینکه، اینترنت به عنوان فراهم کننده بستر ارتکاب جرم است و دوم اینکه آن می تواند به عنوان وسیله ارتکاب جرم نیز باشد.

از منظر نخست باید ذکر شود که برخی از محتواهای اینترنتی با هدف قراردادن باورهای مردم، بالخصوص جوانان و تحت تاثیر قراردادن الگوهای رفتاری و فرهنگی آنان از طریق عادی سازی ارتکاب جرایم، بستری لازم جهت ارتکاب جرم و رفتارهای انحرافی دردنیای واقعی را مهیا می سازند. امروزه ضرورت بررسی چنین جرایمی که به تأسی از جرایم انعکاس یافته از رسانه ها، ارتکاب می یابد سبب بروز رشته مطالعاتی جدیدی شده است که با عناوینی چون جرایم تقلیدی^۱ شناخته می شود. (سیدثانی زاده، ۱۳۹۲، ص. ۸۲۳)

با توجه به رویکرد دوم نیز می توان اذعان نمود فضای مجازی به عنوان ابزاری فنی جهت ارتکاب جرایم اعم از جرایم کلاسیک و جدید به کار گرفته می شود به طوری که برخی جرایم مانند قماربازی و هرزه نگاری که سابقاً متامدی به طور سنتی و محدود، به وقوع می پیوستند امروزه با بهره گیری از اینترنت در مقیاس خیلی گسترده ای ارتکاب یافته و در مقیاسه با اشکال سنتی آن تبعات زیان بارتری متوجه جامعه می سازند. برخی جرایم نیز همچون هک کردن، دسترسی های غیر مجاز و تروریسم سایبری، که قبل از پیدایش شبکه جهانی اینترنت وجود نداشته اند، از جمله اشکال نوین بزهکاری هستند که با ظهور اینترنت پا به عرصه وجود گذاشته اند. به جرایم گروه نخست اصطلاحاً جرایم مرتبط با فضای سایبر و به جرایم گروه دوم، جرایم سایبری محض گفته می شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱) در واقع فضای مجازی فرصت های جدیدی جهت ارتکاب جرایم سنتی و مدرن فراهم آورده است که قبل از پیدایش اینترنت وجود نداشته است.

ایون جوکز استاد جرم شناسی در انگلستان، راجع به استفاده از امکانات فضای مجازی در تسهیل جرم، اظهار می دارد: «شما با تجهیزات درست و دانش فنی کافی، می توانید از دواج اینترنتی بخرید، به مشروب فروشی های همجنس گرایان سری بزنید، در فروشگاه های جهانی ول بچرخید و با کارت اعتباری دیگران خرید کنید، وارد سامانه امنیتی یک بانک شوید، یک تظاهرات در یک کشور ترتیب دهید و پیتاگون راهک کنید. (همه این کارها، در یک روز)» (جوکز، ۱۳۹۴، صص. ۵۲ و ۵۳)

۱-۲. نظریه های بزه دیده محور (موقعیت مدار)

در بررسی نظریه های جرم شناسی، پرداختن به دیدگاه های بزه دیده مدار، از حیث شناخت فرصت های مجرمانه و آماج جرم در فضای مجازی، جهت اتخاذ تدابیری مبنی بر مهار بزهکاری، از طریق حذف یا محدود سازی عوامل جرم زا و نیز مدیریت مناسب عوامل محیطی که فرصت های مناسب ارتکاب جرم را فراهم می کند، (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص. ۴۵) ضروری به نظر می رسد. در واقع با شناسایی آماج جرم در این فضا می توان از طریق دشوار سازی دسترسی به آن و افزایش هزینه های ارتکاب جرم، در مسیر ارتکاب آن موانعی ایجاد کرده و از بزه دیدگی آماج پیشگیری نمود. در این راستا از نظریه هایی چون نظریه های فعالیت روزمره، سبک زندگی و انتخاب عقلانی بهره جسته ایم.

^۱- Copycat crimes

۱-۲-۱. نظریه فعالیت روزمره^۱

طبق این نظریه که توسط کوهن^۲ و فلسون^۳ ارائه شده است موقعیت های پیش جنایی و آماج جرم تاثیر چشمگیری بر تصمیم فرد در ارتکاب جرم خواهد داشت. آنها در این نظریه وجود سه عامل را برای ارتکاب جرم ضروری می دانند که عبارتند از:

۱- وجود بزهکار با انگیزه

۲- آماج مناسب

۳- نبود محافظ توانمند در برابر تخلف. (Cohen & Felson, 1979, p. 589)

هر چند عوامل ساختاری این نظریه مربوط به فضای واقعی می باشد ولی امروزه با توسعه دامنه جرایم به محدوده فضای سایبر، مفاهیم موجود در نظریه فعالیت روزمره می تواند با ویژگی های فضای مجازی نیز قابل تطبیق بوده و به عنوان چهارچوبی برای شناخت رابطه رفتارها و شرایط خاص بزه دیدگی در این فضا، مورد استفاده قرار بگیرد. کارایی این نظریه دیگر مستلزم ملاقات مادی بزهکار و بزه دیده در زمان و مکان فیزیکی نمی باشد و برخلاف جرایم ارتكابی در دنیای مادی که فضا و محیط فیزیکی عامل اتصال مجرم با آماج جرم است، در جرایم سایبری، فضای مجازی همچون وبسایتها، شبکه های اجتماعی، چت روم ها و ایمیل ها، عاملی برای مواجهه بزهکار با انگیزه با آماج جرم خواهد بود. در واقع استفاده روزمره از اینترنت به عنوان پدیده ای جدید در کسب و کار، منزل و تفریح، علاوه بر اینکه موجب ایجاد تعاملات مثبت بین کاربران گردیده، همچنین باعث شده است که کاربران، روزانه به دلیل اختصاص دادن اوقات زیادی از زندگی خویش به صرف ارتباطات برخط، خود را در معرض فزاینده بزه دیدگی قرار دهند. به عبارت دیگر مشارکت در فعالیت های روزمره برخط، فرصت هایی جزایی به ارمغان می آورد. فلذا با ایجاد امنیت در فضای سایبر و حمایت از اقداماتی که در راستای کاهش این فرصت ها صورت می گیرد، می توان در کاهش بزه دیدگان سایبری موثر واقع شد. (Reyns, & Henson, 2013, p. 311)

نظریه اینکه اکثر آماج جرایم سایبری در مورد اطلاعات است، کاربرانی که همواره تلاش می کنند برای این اطلاعات از طریق نفوذ در سایتها و رایانه های دیگران دست یابند، به طور بالقوه مجرمین با انگیزه ای هستند که در صورت اجتماع مولفه های دیگر از جمله وجود کاربران اینترنتی که دارای اطلاعات مطلوب برای هکرها هستند (آماج مناسب) و فقدان سیستم های حفاظتی همچون پالایش، آنتی ویروس و دیوارهای آتشین (نبود محافظ) طعمه های خود را شکار خواهند نمود.

معیارهای لازم برای مناسب بودن آماج، «ارزشمند بودن»^۴، «مقاومت پذیری»^۵، «رویت پذیری»^۶ و «دسترس پذیری»^۷ آماج می باشد (بهره مند و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۲) که در هر جرم به طور خاص بررسی می شود. مثلاً در جرایم علیه مالکیت معنوی، آنچه برای مرتکب ارزش دارد فیلم، موسیقی، نرم افزار و... می باشد یا در جرمی مثل هرزه نگاری، هدف مناسب

^۱-Routine activity theory

^۲-Laurence Cohen

^۳-Marcus Felson

^۴-Valuable

^۵-Inertia

^۶-Visibility

^۷-Accessibility

محصول غیرقانونی است که جهت کسب لذت معامله می شود. فلذا ارزش داشتن آماج جرایم سایبرنیز همچون جرایم سنتی از مولفه های لازم برای جذب مرتکب با انگیزه بوده و می تواند بسته به نوع جرم و هدف مرتکب متغیر باشد. در زمینه ضابطه مقاومت پذیری، اگر آماج مقاوم سازی نشده و از ایمنی کافی برخوردار نباشند، بیشتر در معرض تهاجم قرار خواهند گرفت. مثلاً شناسایی حفره های امنیتی از قبیل به روزرسانی نرم افزارها، به دلیل شناسایی و رفع حفره امنیتی در نسخه جدید و... آماج را تقویت نموده و مانع از سرقت اطلاعات و ورود صدمه به نرم افزارها و سخت افزارها و... می شود.

در خصوص معیار مشاهده پذیری اهداف، با عنایت به جهانی بودن فضای مجازی و محصور نبودن آن با مرزهای مادی، آماج اینترنتی می تواند در هر نقطه جهان، برای مجرمین با انگیزه فضای مجازی قابل رویت باشد. همچنین به دلیل فرامرزی و نزیسیال بودن این فضا، اهداف مورد نظر حتی قابل دسترس تر از فضای واقعی می باشد، علاوه بر آن به لحاظ فنی مرتکبان این عرصه امکان مانور بیشتری جهت زدودن رد پای خود در فضای سایبری و در نتیجه فرار از قانون خواهند داشت.^۱

عامل دیگری که در قابلیت اعمال نظریه فعالیت روزمره بر جرایم سایبری باید به آن توجه داشت، سرعت اینترنت کاربران است. بدین معنا که افرادی که سرعت بالاتر و دسترسی آسان تری به اینترنت دارند، کمتر احتمال دارد که آلوده به انواع بد افزارها شوند. لذا سرعت اینترنت می تواند در کاهش ریسک آسیب های اینترنتی تاثیر داشته باشد. (ابوذری، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۱)

وانگهی کیفیت و قلمروی فعالیت های افراد در فضای مجازی در گرفتار شدن آنان در چنگال بزهکاران سایبری تاثیر بسیاری دارد. مثلاً سایت های هرزه نگاری یا سایت هایی که نرم افزارهای رایگان ارائه می دهند موقعیت های خوبی جهت به دام انداختن قربانیان جرایم سایبری می باشند. زیرا بزهکاران با انگیزه می توانند بد افزارها را در قالب فایل مورد نظر کاربر، پنهان کرده و او را طعمه خود سازند. همچنین داشتن رفتارهای پرخطر مثل ارائه اطلاعات شخصی در ارتباطات برخط به اشخاص غریبه، که با آنها فقط به صورت برخط ارتباطی صورت پذیرفته یا ارائه آن اطلاعات به اشخاصی که قابل اعتماد نیستند، آماج مناسبی برای مرتکبین مهیا ساخته و در نتیجه خطر بزه دیدگی برخط را افزایش داده و حتی ممکن است منجر به بزه دیدگی فیزیکی نیز بشود.

در نهایت باید اذعان شود در فضای مجازی ماهیت محافظین نسبت به فضای فیزیکی متفاوت است و به تبع تحول شیوه های ارتکاب جرایم سایبری، افق های تازه ای در این راستا گشوده می شود. کسب مهارت های رایانه ای توسط کاربران، مدیریت کلمه عبور، به کارگیری سیستم های حفاظتی همچون نرم افزارهای ضد ویروس^۲ و دیوارهای آتشین^۳، مسدود نمودن سایت های غیرقانونی، پالایش محتواهای مجرمانه و اتخاذ سایر تدابیر امنیتی شاید بتواند به عنوان محافظ عمل کرده و در کاهش بزه دیدگی های اینترنتی موثر واقع گردد.

^۱-see: Vicks, M., (۲۰۱۳), An examination of internet filtering and safety policy trends and issues in south Carolina, s K-۱۲ public schools, NSU.

^۲-Anti viruse

^۳-firewalls

۱-۲-۲. نظریه سبک زندگی^۱

این نظریه که از جمله نظریه‌هایی است که با محوریت قراردادان بزه دیده و بررسی شیوه زندگی او به تحلیل جرایم می‌پردازد به گات فردسن^۲ و هیندلانگ^۳ منسوب می‌باشد. به موجب این نظریه بین سبک زندگی خطرناک و بزه دیده شدن افراد رابطه وجود دارد. (Mcneelely, 2015, p.35) به عبارت دیگر سبک زندگی افراد و فعالیت‌های شغلی و تفریحی آنان می‌تواند در کاهش یا افزایش خطر بزه دیده شدن آنها تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

تردید نیست این نظریه در مورد قربانیان جرایم سایبرنیزمی توانم مصداق داشته باشد بدین معنی که اگر «کاربران در سطوح پایینی از آگاهی‌های نرم افزاری و امنیتی باشند و مرتکب رفتارهای پرخطری در فضای مجازی شوند» (مال‌میروزررخ، ۱۳۸۹، ص. ۶۴) احتمال بیشتری وجود دارد که خود را در معرض بزه دیدگی جرایم سایبری قرار دهند. امروزه هر کاربر بر اساس علایق و سلیق خویش در فضای مجازی حضور دارد و به طرق مختلفی همچون چت روم، ایمیل، شبکه‌های اجتماعی و وبسایتها، با دیگر کاربران ارتباط برقرار می‌کند به طوری که کمتر کسی است که در چندین شبکه اجتماعی عضو نبوده و روزانه زمانی را جهت جولان در فضای مجازی، اختصاص نداده باشد. چنانچه کاربران در تعاملات خود، تدابیر امنیتی کافی به کار نگیرند و از ابزارهای غیر مطمئن استفاده کنند، احتمال بیشتری وجود خواهد داشت که موجبات بزه دیده شدن خود را فراهم آورند. همچنین در مواردی اتفاق می‌افتد که کاربران بدون توجه به تبعات زیانبار عمل خود، اطلاعات و جزئیات زندگی خصوصی خود را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند و بزه‌کاران با سوءاستفاده از همان اطلاعات، جرایمی علیه آنها در فضای مجازی یا فضای حقیقی مرتکب می‌شوند.^۴

لذا لازم است کاربران در راستای تامین امنیت خود در فضای مجازی و جهت گرفتار نشدن در دام شکارچیان این فضا، احتیاط‌های لازم را به کار بگیرند. استفاده از گذرواژه‌ها به خصوص گذرواژه‌های چندمولفه‌ای یا زیست‌سنجی، امضای دیجیتال، استفاده از ضدبدافزارها، بستن پورت‌های غیر ضروری، (فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۷) اعتماد نکردن به سایتهایی که نرم افزار رایگان یا ارزان ارائه می‌کنند، قطع نمودن ارتباطات مجازی با غریبه‌ها جز در موارد ضروری و دیگر تدابیر امنیتی سلبی یا ایجابی می‌تواند در این راستا موثر واقع شود.

۱-۲-۳. نظریه انتخاب عقلانی^۵

کلارک^۶ و کورنیش^۷ از جمله پیشگامان این نظریه می‌باشند. هسته اصلی این نظریه، تشریح انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم به عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی است. بر این اساس فرد، موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم را با هدف کسب سود در طی یک فرایند عقلانی مورد سنجش قرار می‌دهد و حاصل این بررسی، تصمیم‌گیری در مورد جرم یا انصراف از آن است. (محسنی، ۱۳۹۷، ص. ۳۷۱) این نظریه که مورد توجه طرفداران پیشگیری وضعی از جرم قرار گرفته

^۱- Life stile Theory-

^۲- Michael Gottfredson

^۳- Michael Hindelang

^۴- «جان تری» بازیکن سابق تیم چلسی انگلستان، پس از اینکه عکسی از خود و همسرش در اینستاگرام پست کرد باعث شد سارقان به خالی بودن عمارت ۵ میلیون پوندی وی پی ببرند و به سرخ آن رفته و معادل ۴۰۰ هزار پوند سرقت نمایند. (به نقل از تابناک. مورخ ۱۳۹۶/۵/۹)

^۵- Rational choice theory

^۶- Clarke

^۷- Cornish-

است، می تواند در تحلیل جرایم اینترنتی نیز کاربرد داشته باشد. زیرا مجرم این فضا نیز فردی حسابگر و حتی باهوشتر بوده و سود و زیان ناشی از عمل ارتكابی را می سنجد و زمانی که به این نتیجه برسد با ارتكاب جرم ضمن داشتن سود بیشتر، با خطر کمتری مواجه است، به ارتكاب جرم اقدام می نماید. فلذا دستاوردهای این نظریه مبنی بر ضرورت اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه در جهت متاثر نمودن زمینه ها و انگیزه های ارتكاب جرم، در مورد فضای مجازی نیز مصداق پیدا می کند.

معمولا گفته می شود «در دسترس بودن» و «جذابیت آماج جرم» (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۸، ص. ۲۴۷) در اخذ تصمیم مجرم بالقوه به ارتكاب جرم، دو عامل کلیدی محسوب می شود. فلذا به کارگیری راهکارهایی در جهت کاهش جذابیت و افزایش هزینه ارتكاب جرم، شاید باعث شود که مجرم حسابگر در برابر آوردهای خود انصراف از ارتكاب جرم را با صرفه تر تشخیص دهد. تردیدی نیست در فضای مجازی نیز به کارگیری این ایده در راستای دشوارسازی آماج جرم و کاهش فرصت های ارتكاب آن مبنی بر پیشگیری از بزه دیدگی کاربران، می تواند کارگروا واقع شود.

۲. نظریه های خاص فضای مجازی

همان طوری که قبلا ملاحظه شد، هر چند جرایم اینترنتی می تواند با استفاده از برخی از نظریه های سنتی جرم شناسی که برای تبیین جرایم جهان فیزیکی ارائه شده اند، تحلیل گردند ولی برخی جرم شناسان اعم از داخلی و خارجی (نظیر دکتر نجفی ابرندآبادی^۱ و جیشانکار) برای تحلیل این جرایم، ارائه نظریه جداگانه ای را که خاص این فضا باشد، لازم دانسته و نظریات کلی موجود را برای تحلیل جرایم اینترنتی ناکافی قلمداد کرده است.

۲-۱ نظریه انتقال فضا^۲

ظاهرا این نظریه اولین و شاید تنها نظریه ای است که در خصوص دلیل ارتكاب جرم در فضای مجازی مطرح شده است. جیشانکار در خصوص طرح این نظریه اذعان می کند:

«من نظریه ای را برای پیشبرد رشته جرم شناسی فضای مجازی طراحی کرده ام این نظریه، «نظریه انتقال فضا» نامیده می شود.» (جیشانکار، ۱۳۹۴، ص. ۱۸)

طبق این نظریه، انسان ها وقتی از یک فضا به فضای دیگر وارد می شوند، رفتار متفاوتی در پیش می گیرند. ایشان در نظریه خود فرضیه های هفت گانه ای به شرح زیر جهت توجیه جرایم اینترنتی ارائه نموده است که در ادامه به تحلیل هر یک می پردازیم.

۲-۱-۱ فرضیه های هفت گانه نظریه

۱- اشخاصی که گرایشهای مجرمانه خود را در فضای حقیقی مهار کرده اند، تمایل به ارتكاب جرم یا جرایمی در فضای مجازی دارند که چه بسا به دلیل مقام و موقعیت خویش، نتوانسته اند در محیط حقیقی مرتکب شوند.

۲- ناشناختگی و تغییر هویت در فضای مجازی و عدم وجود عوامل بازدارنده در این فضا، فرصتی جهت ارتكاب جرم سایبری در اختیار مجرمین قرار می دهد.

^۱ - جرایم جدید علیه سامانه های انفورماتیکی و داده های سایبری، خودنیا زبه رویکرد جرم شناختی جدید متناسب با این فضا دارد. به نقل از: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۵). از جرم شناسی حقیقی تا جرم شناسی مجازی، دیپاچه در: جرم شناسی، پیکار ژرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، میزان، تهران، ص ۱۴.

۳- رفتار مجرمانه مرتکبین ممکن است از فضای مجازی به فضای واقعی سرایت کند و جرایم فضای واقعی نیز ممکن است به فضای مجازی وارد گردد.

۴- ویژگی نامستمر رفتار مجرمانه مجرمین در فضای سایبر و ماهیت سیال و موقتی این فضا به مرتکبین آن شانس فرار از قانون می دهد.

۵- الف) افرادی که همدیگر را نمی شناسند ممکن است از طریق فضای مجازی دوره گرد آیند تا جرایمی در فضای واقعی مرتکب گردند. ب) همچنین افرادی که در فضای واقعی با همدیگر آشنا هستند، ممکن است برای ارتکاب جرم در فضای مجازی متحد شوند.

۶- در جوامع بسته نسبت به جوامع باز، احتمال بیشتری جهت ارتکاب جرم در فضای مجازی وجود دارد.

۷- تعارض هنجارها و ارزش های فضای واقعی با فضای حقیقی، ممکن است منجر به وقوع جرایم سایبری شود. (Jaishankar, 2008, p.5)

به دلیل جدید بودن این نظریه و از این حیث که این نظریه یکی از معدود نظریه هایی است که در حوزه جرم شناسی فضای مجازی و نیز تجزیه و تحلیل جرایم فضای سایبر ارائه شده است، در زیر مفصلاً هر یک از فرضیه های هفت گانه مطرح شده در آن، مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۱-۱-۱-۱. فرضیه اول

در بیشتر مواقع افراد با محاسبه خطرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از ارتکاب جرم، مجبور به اطاعت از قانون می شوند. به سخی دیگر پیش بینی آسیب های اجتماعی و ملامت های دیگران باعث می شود مرتکبین بالقوه، قصد ارتکاب جرم را در خود مهار نمایند. ولی وقتی همین افراد وارد فضای مجازی می شوند، به علت ناشناس بودن در آن فضا دیگر از بابت سرزنش دیگران و به مخاطره افتادن پایگاه اجتماعی خود، هیچ نگرانی نداشته و بی محابا جرم مورد نظر خود را مرتکب می شوند.

۲-۱-۱-۲. فرضیه دوم

انعطاف پذیری هویت و ناشناس بودن در فضای مجازی و نیز عدم وجود عوامل بازدارنده در این فضا، زمینه مساعدی جهت ارتکاب جرم سایبری در اختیار مجرمین قرار می دهد. گمنامی نسبی در فضای مجازی از دو جهت مانع بازدارندگی می شود بدین نحو که از یک طرف ممکن است باعث شود کاربران از آن برای بروز عواطف و نیازهای ناخوشایند خود از قبیل آزار دیگران، بارگذاری و مشاهده مکرر تصاویر و فیلم های مبتذل بهره ببرند، از طرف دیگر به انسانها این امکان را می دهد که در مورد مسائل شخصی خود که در ملاقات های رودررو از گفتن آن ابا دارند، صریح و روراست باشند.

احساس ناشناس ماندن، باعث می شود مرتکبین از عواقب اقدامات مجرمانه خود به نوعی احساس مصونیت نمایند. می توان گفت فرضیه اول در ارتباط با این فرضیه قابل تحلیل است زیرا ناشناس بودن در فضای مجازی باعث می شود مرتکب بدون هیچ واهمه ای مبنی بر به خطر افتادن پایگاه اجتماعی خود، به ارتکاب جرم راغب شود. همچنین گمنامی هویت در فضای مجازی موجب می شود مجرمین فضای مجازی به سادگی خود را متقاعد کنند که جرایم ارتکابی، رفتارهای خود واقعی آنها نمی باشد. (Ibid, p.7)

یکی دیگر از دغدغه های مطروحه در مورد فضای مجازی آن است که در بیشتر موارد فرد هرگز نمی تواند بفهمد که با چه کسی در تعامل است، زیرا کاربران همیشه می توانند هویت جعلی به خود بگیرند. به عبارت دیگر، افراد در تعیین صحت هویت طرف مقابل و اطلاعات ارائه شده از سوی او عاجز می باشند. برای مثال در برخی موارد کلاهبرداران مرد از طریق ایجاد پروفایلی جذاب در پوشش یک زن، مردان را اغفال می نمایند.

بدیهی است که ترس از شناخته شدن یکی از عوامل مهم در بازدارندگی از رفتارهای مجرمانه می باشد. ولی ماهیت منحصر به فرد فضای مجازی به مجرمان این فرصت را می دهد که علاوه بر اینکه پشت نقابی مخفی شده و ناشناس بمانند، همچنین برخلاف فضای فیزیکی این امکان را نیز داشته باشند که از دورترین فاصله به قربانیان خود حمله کنند. علاوه بر عوامل فوق، نظریه اینکه خسارت احتمالی در فضای مجازی اعم از مالی، روانشناختی و اجتماعی علی رغم هنگفت بودن، بلافاصله آشکار نمی شوند، فلذا عدم اطلاع قربانی از بزه دیدگی خود و عدم اقدام به موقع او منبئ بر پیگیری جرم، بزهکار را جهت ارتکاب جرم و تکرار آن، مصمم ترمی سازد.

۲-۱-۱-۳. فرضیه سوم

رفتار مجرمانه مرتکبین ممکن است از فضای مجازی به فضای واقعی سرایت کند و بالعکس. این دو فضا امروزه آن چنان درهم تنیده اند که قسمت عمده ای از فعالیتها و کنشهای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی به فضای مجازی منتقل شده است. در ابتدا، انگیزه اصلی مجرمین فضای مجازی در ارتکاب جرم بیشتر کسب شهرت بود تا سود. اما در سال های گذشته، مجرمان فضای مجازی در مقایسه با سالهای پیش حرفه ای تر شده اند و ارتکاب جرایم سایبری برای آنها دیگر جهت سرگرمی نیست، بلکه آنان امروزه بیشتر به منظور کسب منافع به ویژه سود مالی دست به ارتکاب جرایم مختلف از جمله هک و غیره می زنند. آنها دریافته اند که از طریق فعالیت های برخط ضمن داشتن ریسک کمتر، می توانند سود مالی هنگفتی کسب کنند. بدین منظور دانش، مهارت ها و شبکه های ارتباطی خود را ارتقا داده و جرایمی با مقیاس گسترده تروحتی به صورت سازمان یافته مرتکب می شوند. در واقع بهره گیری آنها از مهارت های کامپیوتری، سطح ارتکاب جرایم اینترنتی را بیش از پیش افزایش داده است به طوری که امروزه انعکاس خبری چنین جرایمی در رسانه های مختلف، به ویژه توسط جوانان و نوجوانانی که در زمینه نرم افزارهای مورد نظر مهارت کسب می کنند، کم نیست.^۱

نظریه اینکه امکان شناسایی مجرمان در فضای فیزیکی نسبت به فضای مجازی بیشتر است، بخش عمده ای از کسانی که بیشتر مرتکب سرقت و اخاذی می شدند، وارد عرصه مجازی شدند تا همین جرایم را در این فضا مرتکب شوند. در واقع فضای مجازی به باندهای بزهکارانه این امکان را می دهد تا فعالیت های مجرمانه خود را به سهولت پوشش دهند. امروزه مجرمان فضای مجازی به آسانی از یک حساب به حساب دیگر پول منتقل می کنند و قانون به سختی می تواند تراکنش های باندهای مجرمانه را تحت تعقیب قرار دهد. به علاوه، ایجاد هویت مجازی باعث ناشناس ماندن و اجرای آسوده عملیات مجرمانه توسط آنها می شود. همه این موارد بیانگر این است که جرایم سنتی از فضای فیزیکی به فضای مجازی سرایت پیدا کرده است. علاوه بر آن بیشتر رفتارهای مجرمانه نیز از فضای مجازی به فضای فیزیکی بسط

^۱ - به طور نمونه: در ۱۳۹۶/۱/۱۷ باشگاه خبرنگاران جوان خبر از دستگیری هکر ۱۶ ساله ای داد که ۲۰۰۰ سایت داخلی و خارجی را هک کرده بود. یا در ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

خبرگزاری مهر از دستگیری ۳ هکر میلیاردی در ماه شهر خیردادو....

پیدا می نماید بدین نحو که مرتکبین در ابتدا از طریق اینترنت، باند های مجرمانه و بزه دیدگان مورد نظر خود را شناسایی می نمایند و سپس در فضای واقعی به باند مورد نظری پیوندند یا قربانی مورد نظر را شکار می نمایند. اغفال کودکان در فضای مجازی برای بهره کشی جنسی از آنان در فضای فیزیکی، یکی از شاخص ترین موارد در زمینه بسط رفتار مجرمانه مجازی به فضای فیزیکی می باشد و عمدتاً افرادی که هدفشان اغوای کودکان برای مقاصد جنسی در دنیای فیزیکی است، از طریق اینترنت به نحو راحت تری به کودکان دسترسی پیدا کرده و عمل شوم خود را به انجام می رسانند. (دشاب، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۶)

۲-۱-۱-۴. فرضیه چهارم

ماجرای جویی های پی در پی مجرمین در فضای سایبر و ماهیت سیال و موقتی این فضا به مرتکبین آن، شانس فرار از قانون می دهد. گستردگی و فرامرزی بودن فضای مجازی، باعث می شود برخلاف دیگر رسانه ها کنترل آن سخت گردد. (Akgul & Kirlidog, 2015, p. 14) فضای مجازی یک مکان گذرا برای همه افراد از جمله مجرمان، می باشد، انسان ها در فضای مجازی زندگی نمی کنند بلکه همانند هر مکان دیگری از آن دیدن کرده و خارج می شوند. این ویژگی فضای مجازی به مجرمان امکان می دهد تا با تایپ آدرس اینترنتی از مکانی به مکان دیگر رفته و وارد پروکسی سرور شده و مکان واقعی خود را پنهان کنند. (Jaishankar, 2008, p. 10) و این امر باعث می شود این فضا مکان ایده آلی برای ارتکاب جرم و فرار از چنگال قانون گردد.

وانگهی جرایم اینترنتی هم از بعد زمانی هم از نظر مکانی با جرایم سنتی متفاوت می باشند و این جرایم برخلاف جرایم سنتی مقید به محدودیت های زمانی-مکانی نیستند. زیرا در این فضا افرادی توانند در یک بازه زمانی خیلی کوتاه یا از مسافت های دور به دیگران حمله کنند و به علت ماهیت پویای فضای مجازی، از کشف شدن زمان و مکان ارتکاب جرایمشان در امان باشند. گفته می شود در فضای مجازی به علت دشوار بودن امکان شناسایی محل ارتکاب جرم، جغرافیا و مرزهای ترسیم شده در آن، اهمیت خود را از دست می دهد. (Ibid)

۲-۱-۱-۵. فرضیه پنجم

در فضای مجازی علاوه بر اینکه افرادی که هیچ شناختی از همدیگر ندارند، ممکن است با یکدیگر توافق کنند تا در فضای فیزیکی مرتکب جرم شوند، همچنین گروه های مجرمانه در فضای فیزیکی نیز ممکن است با هم متحد شوند تا در فضای مجازی مرتکب جرم گردند.

همان گونه که در نظریه رسانه و فرهنگ نیز اشاره کردیم، در چند سال گذشته، اینترنت به یکی از موثرترین رسانه ها برای عضوگیری نیروی انسانی مجرم و همچنین انتشار شیوه های ارتکاب جرم تبدیل شده است. استخدام نیروی مجرمانه برای داعش یکی از نمونه های بارز استفاده از اینترنت برای یارگیری جهت ارتکاب اعمال مجرمانه می باشد. در سالیان اخیر صدها هزار جوان سابقه دار، از اقصی نقاط دنیا به این گروه ملحق شده و وارد خشونت های مسلحانه گردیده اند. این امر به خوبی اهمیت فرضیه «الف» در مصداقهای واقعی را نشان می دهد که در آن افراد همفکر به صورت برخط با یکدیگر متحد شده و در فضای فیزیکی خشونت را ترویج می دهند.

جیشانکار نشان می دهد که تهدید داخلی یکی از معضلات اساسی در فضای مجازی است. او بر این باور است که کارمندی که از شرایط کاری خود ناراضی است، می تواند از طریق جاسوسی، خرابکاری، یا انتشار اطلاعات محرمانه، آینده سازمان

خود را به تباهی بکشد و برای انجام این کار عمدتاً از قابلیت های فضای مجازی استفاده می کند. این امر می تواند قسمت دوم فرضیه است. بدین ترتیب، حمله دیجیتال به وبسایت های هندی نیز یکی از نمونه هایی است که نشان می دهد مجرمان در فضای فیزیکی متحمل می شوند تا در فضای مجازی مرتکب جرم شوند. (Ibid, p. 11)

۲-۱-۱-۶. فرضیه ششم

کاربران فضای مجازی در جوامع بسته بیش از جوامع باز مرتکب جرم می شوند، چنین نظریه ای بر این فرض استوار است که شهروندان جوامع باز، گزینه های زیادی برای تخلیه احساساتی همچون خشم از طریق اعتراض یا راهپیمایی دارند. ولی در مقابل، شهروندان جوامع بسته از چنین کانال هایی برای تخلیه احساسات خود برخوردار نیستند. فلذا آنان از فرصتی که از طریق فضای مجازی، در اختیار آنها قرار می گیرد، استفاده نموده و وارد انواع فعالیت بزهکارانه نظیر انتشار مطالب نفرت آلود در رسانه های جمعی (طهان طرقي، ۱۳۹۵، ص. ۲۰) فعالیت های تروریستی مجازی^۱ و به اشتراک گذاری عکس های جنسی از شرکای جنسی خود به قصد انتقام گیری، می شوند. در واقع طبق این فرضیه نوع نظام حکومتی موجود، در تعیین گستره جرایم اینترنتی موثر قلمداد می شود.

لازم است اشاره شود که اعتقاد به آمار زیاد جرایم سایبری در جوامع بسته نسبت به جرایم باز، در حدیک طرح خام بوده و اثبات آن علاوه بر انجام تحقیقات میدانی مبتنی بر آمار، مستلزم این است که بررسی شود در هر دو گروه از جوامع فوق چه رفتارهایی بنا بر مولفه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... آن جامعه، در سایه جرایم سایبری قرار گرفته است و چه رفتارهایی همچنان مباح می باشد. چراکه به نظرمی رسد آمار ارتکاب جرایم اینترنتی در جوامع باز، به علت مجهز بودن قریب به اتفاق شهروندان به امکانات سخت افزاری مورد نیاز و نیز آشنایی آنها به آخرین نرم افزارها و فنون فضای سایبر، کمتر از جوامع بسته نباشد. ضمن اینکه در سیستم های بسته که عمدتاً مردم تحت نظارت و مراقبت شدید پلیس و سازمان های امنیتی قرار دارند، چه بسا امکان ارتکاب جرم به حداقل برسد. از این رو گفته می شود بزهکاری عادی در دموکراسی های آزاد بیشتر رواج دارد تا در کشور های با رژیم استبدادی. (گسن، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۴)

۲-۱-۱-۷. فرضیه هفتم

تضاد هنجارها و ارزش های فضای فیزیکی با هنجارها و ارزش های فضای مجازی می تواند منجر به ارتکاب جرم در فضای مجازی شود. در واقع فضای مجازی هنجارها و ارزش های خاص خود را دارد که ممکن است با هنجارها و ارزش های گروهی از مردم مغایرت داشته باشد. بدیهی است این فضا یک فضای بین المللی است که در آن انسانهایی با ملیتهای مختلف با هم تعامل می کنند، پس به تبع تفاوت هنجارها، رفتار انسان ها نیز در آن یکسان نبوده و از شخصی به شخص دیگر از جامعه ای به جامعه دیگر تفاوت خواهد داشت، این تفاوت در رفتاری می تواند منجر به بروز تضاد بین افراد در فضای مجازی شده و در نهایت جرم مجازی رخ بدهد.

می توان گفت این فرضیه مطلب جدیدی عرضه نمی کند و با نظریه تعارض فرهنگی که قبلاً بدان اشاره کردیم، منطبق است.

۲-۱-۲. ارزیابی نظریه

^۱ - ر.ک: جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۵) تروریسم سایبری، فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۰.

با ارائه و بررسی فرضیه های هفت گانه نظریه انتقال فضا، می توان نتیجه گرفت که یکی از مهمترین اقدامات لازم به منظور پیشرفت در حوزه جرم شناسی فضای مجازی، تلاش برای طرح نظریه های جدید و مبتکرانه ای است که هدف آنها تبیین جرایم خاص فضای مجازی می باشد و نظریه انتقال فضا هر چند در مراحل اولیه رشد خود است ولی از آنجا که در بردارنده فرضیه هایی است که رفتارهای مجرمانه فضای مجازی را تبیین می نماید، اقدام مفید و موثری در راستای تحقق این هدف تلقی می گردد. با آنکه برخی از فرضیه های مطرح شده در این نظریه نظیر فرضیه آخر، متضمن مطلب تازه ای نبوده و قابل تطبیق با نظریه های سنتی جرم شناسی است، با این حال این نظریه از این جهت که می تواند الهام بخش سایر محققان برای طرح دیگر نظریه های خاص در این فضا باشد، قابل تحسین است.

این نظریه در عمل توسط چند محقق، ارزیابی شده است و برخی فرضیه های آن از جمله ماهیت انعطاف پذیری و گمنامی فضای مجازی، تسهیل همبستگی مجرمین به صورت برخط، فقدان عوامل بازدارنده در فضای مجازی و تضاد هنجارها و ارزش ها در این فضا، مورد تایید قرار گرفته اند. (Kethineni & Ect, 2017, p.7) همچنین محققین اشعار داشته اند که نظریه انتقال فضا هر چند برای همه انواع جرایم سایبری کارآیی ندارد (Danquah, & Longe, p.1) ولی می تواند در تبیین برخی جرایم چون کلاهبرداری، هرزه نگاری، تجاوز سایبری و خشونت در فضای مجازی کارآیی داشته باشد. (Ibid, p.46)

بدیهی است بررسی دقیق این نظریه عملاً با مشکلاتی همراه می باشد زیرا ارزیابی دقیق آن مستلزم دسترسی به داده های بیشتر در خصوص جرایم و مجرمین اینترنتی است در حالی که امروزه به دست آوردن اطلاعات مورد نظر، کاری بسیار سخت می باشد و این امر ارزیابی این نظریه را دشوار می سازد. با این حال این مساله چیزی از ارزش نظریه، به عنوان یک ایده مبتکرانه و نو، کم نمی کند.

۳. تاثیر یافته های جرم شناختی در پیشگیری از جرم در فضای مجازی

تردید نیست هدف از مطالعه علمی جرم، ارائه راهکارهای جهت پیشگیری و مقابله با آن است. بررسی نقش فضای مجازی در وقوع جرم نیز با هدف پیشگیری انجام می گیرد. شاید این گونه تصور شود که سلسه مباحث پیشگیری از جرم اعم از تئوریهای مختلف مربوط به پیشگیری و راهکارهای عملی مرتبط با آن، صرفاً در جرم شناسی قابل طرح بوده و جایگاهی در شرع و فقه اسلامی ندارد. ولی تازگی نظریه های مطرح شده در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و انتساب آن به جرم شناسان، نباید ما را از توجه به تدابیر پیشگیرانه ای که در ادوار مختلف زندگی بشر جهت مقابله با جرم اتخاذ شده است، غافل نماید. به جرات می توان گفت پیشگیری از وقوع جرم قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد. فلذا تحول راهکارهای پیشگیری و در نتیجه منسوخ شدن برخی از تدابیر سنتی را، نباید به معنای عدم توجه منابع شرعی به این مهم تعبیر کرد.

۳-۱. پیشگیری از جرم با توجه به سیاست جنایی اسلام

نظریه اینکه فرض ما این است که فضای مجازی زمینه ارتکاب جرم را تسریع و تسهیل می نماید، از این روبه منظور توجه شرعی اقدامات پیشگیرنده در این فضا، لازم است جایگاه پیشگیری را با توجه به سیاست جنایی اسلام تحلیل نماییم.

منابع اسلامی اعم از آیات و روایات مشتمل بر نمونه هایی بسیاری از تدابیر پیشگیرنده است که آن تدابیر، همان قابلیت هایی را دارا می باشند که امروزه جرم شناسان به عنوان تکنیک های پیشگیری معرفی می نمایند. از جمله نمونه های بارز این تدابیر، الزام به حفظ حجاب زن در راستای حمایت از آماج جرم، نهی اعانه بر اثم با هدف جلوگیری از ایجاد انگیزه در مجرمان و سلب فرصت از آنان، سد ذرایع و حرام دانستن مقدمه حرام جهت کنترل ابزارهای ارتکاب جرم و... است. در ادامه با عنایت به مبانی شرعی، برخی از راهبردهایی را که در منابع شرعی به لحاظ وضعی ماهیت پیشگیرنده دارند، بررسی می شود.

در آیه ۳۱ سوره «نور» خداوند در مورد حجاب زنان می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...» و به زنان با ایمان بگویدگان خود را فرو بندند و پاکدامنی و رزند و زیورهای خود را آشکار نسازند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و بر آنهاست که سینه خویش را با مقنعه بپوشانند.

صرف نظر از دیدگاه های مختلفی که راجع به حدود و ثغور حجاب زن مطرح شده است، این آیه و دیگر آیات مرتبط با حجاب، ادله روشنی بر وجوب رعایت حجاب زن هستند. در تفسیر این آیه فوایدی برای حجاب برمی شمارند که یکی از آنها، حمایت از زنان در مقابل سوء قصد و تجاوز (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷۵) از طریق کاهش و سوسه های ارتکاب جرم در مردان بدذات و بوالهوس است. در نهج البلاغه نیز دوام امنیت و سلامت زن به پوشش و عفاف او منوط شده است. (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۲۲۷) در واقع بی حجابی زنان می تواند در تکوین انگیزه مجرمانه در برخی مردان موثر واقع شده و باعث شود آنان قربانی جرایم جنسی گردند. فلذا حجاب زنان به لحاظ کاهش تحریک به ارتکاب جرم، از تکنیک های پیشگیرنده موقعیت مدار در راستای حمایت از آماج (زنان) قلمداد شده و چه بسا موجب شود بزه کاران بالقوه از آزار و مزاحمت زنان صرف نظر نمایند.

یکی از تدابیر پیشگیرنده ای که در منابع شرعی بدان تاکید می گردد، نهی کمک به دیگری در جهت ارتکاب گناه و ظلم است. در این زمینه آیه ۲ سوره «مائده» قابل ذکر است که می فرماید: «لَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» در گناه و ستم به هم یاری نرسانید و از خداوند بترسید که همانا خداوند سخت کیفر است. این آیه به دلیل سرکوب نمودن روحیه همکاری در گناه و سلب فرصت های خطا از گناه کاران بالقوه، می تواند دلیل روشنی بر ضرورت پیشگیری از ارتکاب گناه در شرع، قلمداد گردد. در تفسیر آیه گفته اند: «کسانی که به بدی ها کمک می کنند باید خود را برای عقاب شدید الهی آماده کنند.» (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۴) در روایات مختلف هم، کمک به اثم و عدوان نهی شده است از جمله آن، حدیثی از نبی اکرم (ص) است که می فرماید: «من مشی الی ظالم لیعیننه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج عن الاسلام.» (مجلسی، بی تا، ص ۳۷۷) هر کس با علم به ظالم بودن کسی، قدمی برای او بردارد، از اسلام خارج شده است. شیخ انصاری «معونه الظالمین» را یکی از اقسام مکاسب حرام دانسته است. (انصاری، بی تا، ص ۵۳) البته برخی از فقها برای اینکه دامنه معاملات حرام را به موارد شبهه ناک توسعه ندهند، معاونت را زمانی صادق می دانند که قصد بایع از فروختن، مصرف نمودن مبیع توسط مشتری و به کاربردن آن در امر حرام باشد. (ذهنی، تهرانی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۰) همچنین علاوه بر وجود قصد، تحریم عمل معاون را منوط به این دانسته اند که فعل مورد اعانت در خارج تحقق پیدا کند. (همان) این شرایط در حقوق جزای مدرن نیز ضروری دانسته شده است، به طوری که در قوانین جزایی، افزون بر لزوم وحدت

قصدمعاون با مباشر،^۱ وجود عمل اصلی قابل مجازات، شرط نخستین جرم معاونت به شمار می آید. (اردبیلی، ۱۳۹۶، ص. ۹۶)

با مرور منابع شرعی فوق می توان نتیجه گرفت فلسفه حرمت اعانه بر اثم و ظلم، این است که نداشتن همراهی که مجرم را به ارتکاب جرم مصمم نماید، فرصت ارتکاب جرم را کاهش داده و احتمال گذر از اندیشه به فعل مجرمانه را کمتر خواهد کرد. همان هدفی که در پیشگیری از جرم در پی آن هستیم.

یکی دیگر از راهبردهایی که در شرع جهت پیشگیری از جرم و گناه قابل ذکر است، نهی از اعمالی است که مقدمه ارتکاب حرام می باشد. در بیشتر موارد ارتکاب گناه و جرم مستلزم انجام مقدماتی است که زمینه ساز ارتکاب جرم هستند. گرچه مقدمات مورد نظر شاید به خودی خود فاقد مفسده باشند ولی به منظور سلب فرصت مجرمانه از مرتکب و در راستای پیشگیری از وقوع جرم شرعا حرام تلقی شده و گاه در حقوق موضوعه نیز جرم انگاری می شوند.^۲

البته لازم است عنوان شود برخی از فقها مطلق مقدمات حرام را صرف نظر از وجود ملازمه بین مقدمه و ذی المقدمه، حرام می دانند. (خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۴۱۵) ولی برخی دیگر با تفکیک مقدمه به افعال تولیدیه و سببیه، حکم حرمت را فقط بر مقدمات تولیدیه جاری می سازند. زیرا از نظر آنان فقط این افعال علت تامه تحقق حرام هستند و به مجرد تحقق این مقدمات است که، ذی المقدمه به صورت قهری و بدون اختیار، تحقق پیدا می کند. (لنکرانی، ۱۳۸۱، ص. ۶۳۱)

علمای عامه حرمت مقدمه حرام را در بحث «سد ذرایع» مطرح می نمایند. آنان ذرایع و مقدمات حرام را بر چهار قسم به شرح زیر تقسیم می کنند:

۱- اعمالی که قطعا به مفسده منجر می شوند.

۲- اعمالی که برای مباح قرارداد شده اند، ولی برخی آن را به عنوان وسیله ای برای توسل به مفسده استفاده می کنند.

۳- اعمال و وسایلی که برای انجام کار مباح مقرر شده اند، ولی غالبا توسل به آن، به وقوع مفسده می انجامد و مفسده آن نیز از مصلحتش بیشتر است.

۴- اعمال و وسایلی که استفاده مباح دارند و به طور نادر به مفسده منتهی می شوند و مصلحت آنها بر مفسده شان مرجح است. (سلطان العنزی، بی تا، ص. ۱۹۸).

نوع اول ذرایع، ذاتا حرام هستند ولی نوع سوم و چهارم گرچه فی نفسه حرام نیستند ولی فقهای عامه آن را از باب سد ذرایع حرام و ممنوع می دانند تا طرق رسیدن و وصول به محرمات مسدود شود. در واقع آنان سد ذرایع را از جمله ادله ای می دانند که در صورت فقدان نص، می توان برای استخراج احکام شرعی بدان متوسل شد. فلذا چنان چه ظن غالب وجود داشته باشد مبنی بر اینکه انجام عملی منجر به وقوع مفسده می شود، آن را از باب سد ذرایع تحریم می نمایند. تحریم مقدمه حرام در شرع و تجریم آن در حقوق موضوعه که معمولا حقوق دانان با عنوان جرایم بازدارنده از آن یاد می کنند، در راستای کنترل ابزارهای ارتکاب جرم و به منظور افزایش زحمات ارتکاب آن صورت می گیرد و راهبردی دیگر جهت پیشگیری وضعی از جرم به شمار می آید.

^۱ - تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی.

^۲ - نظیر مواد ۵۰۳ و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

باری، با اثبات اهمیت جایگاه پیشگیری وضعی از جرم در اسلام و احراز جایگاه فضای مجازی در وقوع جرم، می توان نتیجه گرفت که ادله شرعی نیز می توانند مجوزی بر کنترل فضای مجازی در جهت پیشگیری از جرم محسوب شوند مشروط بر اینکه با تکیه بر آن ادله و تطبیق آن با مقتضیات عصر حاضر، تدابیری اتخاذ شود که فرصت های ارتکاب جرم را سلب نموده و از عهده این رسالت برآید.

۳-۲. ضرورت پیشگیری از جرم در فضای مجازی

چنانچه اشاره شد مهم ترین هدفی که بابررسی نقش فضای مجازی در تکوین جرم دنبال می شود، اتخاذ تدابیری باهدف پیشگیری است زیرا فرض بر این است که فضای مجازی، گاه با داشتن قابلیت هایی همچون امکان انتشار فنون ارتکاب جرم، موجب تقلید اسلوب ارتکاب جرم می شود، گاه با تحریک به ارتکاب جرم، کاربران را به وقوع جرم وسوسه می کند و بعضا قابل دسترس تر کردن آماج جرم، بزه دیدگی برخی کاربران را تسهیل می نماید، در مواقعی بکارگیری اینترنت در ارتکاب جرایمی همچون جاسوسی و تروریسم سایبری، امنیت کشورها را به شکل گسترده تری در معرض مخاطره قرار می دهد. (پورنجفی قوشچی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۵۴)

باری به دلیل تعامل جهانی گروه های مجرمانه در اینترنت و ارائه الگوهای ارتکاب جرم در آن، کاربران مستعد، فنون و انگیزه های ارتکاب جرم را آموخته و تقلید می نمایند. وانگهی وجود برخی محتواهای مجرمانه، کاربران را به وقوع جرم وسوسه می کند و چه بسا اگر عامل تحریک کننده نمی بود، آنان مرتکب جرم مورد نظر نمی شدند. مثلا وجود محتواهای مربوط به هرزه نگاری به ویژه هرزه نگاری کودکان و دسترسی اتفاقی یا عمدی کاربران به آن، باعث می شود حتی افرادی که منحرف جنسی نیستند به علت تعقیب مرتب تصاویری در این خصوص، به ارتکاب خشونت های جنسی برخط علیه کودکان، رغبت پیدا کنند.

همچنین دستیابی به برخی منابع اینترنتی، که بالحاظ مولفه های فرهنگی، مذهبی، اخلاقی و... از جمله مصادیق مجرمانه شناخته می شوند، چه بسا موجب رویارویی مجرمین و قربانیان بالقوه شده و در واقع با قابل دسترس ساختن آماج جرم، آنها را در معرض بزه دیدگی قرار می دهد. مثلا سایتهای تبلیغاتی که بدافزارها را در قالب نرم افزارهای رایگان، پنهان می نمایند، موقعیت های خوبی جهت به دام انداختن قربانیان جرایم سایبر می باشند.

بدیهی است دولت ها با شناسایی قابلیت های اینترنت در وقوع یا توسعه جرم، اتخاذ تدابیری مبنی بر پیشگیری از وقوع جرم در فضای مجازی را یک اقدام ضروری قلمداد خواهند نمود و در صدد خواهند آمد با اعمال سیاست جنایی کارآمد اعم از تقنینی و قضایی، در راستای جلوگیری از تقلید فنون ارتکاب جرم، سخت تر کردن آماج جرم و کاهش تحریک به ارتکاب جرم، موثر واقع شده و از وقوع جرم پیشگیری نمایند.

نتیجه گیری

ویژگی های منحصر به فرد فضای مجازی از قبیل گستردگی و سیال بودن آن، تعاملی بودن این فضا، سهولت و سرعت در دسترسی بدان و گمنامی نسبی هویت کاربران این عرصه، به علت فراهم آوردن فرصت های مجرمانه فراوان برای کاربران، علاوه بر اینکه موجب شده است بخش عمده ای از جرایم سنتی که سابقا در فضای مادی محقق می شده است،

درفضای مجازی نیز با حجم گسترده تری ارتکاب یابد، همچنین به لطف کاربران مبتکر و کاربرد فضای مجازی، گونه های نوینی از جرم ازبطن فضای مجازی زاده شود که تا قبل از پیدایش اینترنت مسبوق به سابقه نبوده است. این امر تحلیل و بررسی جرم شناختی جایگاه فضای مجازی را، جهت ارائه راه هایی مبنی بر تعیین خط مشی مناسب در مبارزه با این جرایم ضروری می سازد. در این راستا ضمن این که می توان از رهگذر نظریه های متداول جرم شناسی که در خصوص فضای واقعی مطرح شده است، همچون نظریه معاشرت ترجیحی، نظریه تعارض فرهنگی، نظریه فعالیت روزمره، نظریه سبک زندگی و...، به تحلیل جرایم اینترنتی پرداخت، همچنین می توان از نظریه های نوین جرم شناسی همچون نظریه جدید انتقال فضا که مختص این فضا می باشد، بهره گرفت. در واقع ساختار خاص و ابعاد ناشناخته جرایم اینترنتی و ویژگی های متفاوت بزهکاران و بزه دیدگان این عرصه، مستلزم مطالعه جرم شناختی جرایم این فضا جهت یافتن علل بزهکاری ها و بزه دیدگی های مجازی می باشد. چراکه بدون شناسایی گونه های مختلف جرایم این عرصه اعم از «جرایم مرتبط با فضای سایبری» یا «جرایم سایبری محض»، شیوه ارتکاب این جرایم، راه های گریز مرتکبان این حیطة و...، همچنین بدون مطالعه ویژگی های کنشگران این حوزه، نمی توان از ارائه راهکارهایی جهت مقابله و پیشگیری از این جرایم اطمینان حاصل نمود و این مهم جز با بهره گیری از نظریه اندیشمندان حوزه جرم شناسی میسر نخواهد بود.

استفاده از یافته های حاصل از مطالعات جرم شناسان، می تواند موجب تدوین یک سیاست جنایی علمی شود که مزایای اجرای آن در هر جامعه، تقویت آماج جرم به منظور پیشگیری از بزه دیدگی کاربران در فضای مجازی از طریق ارتقای اطلاعات نرم افزاری آنها از یکسو و تقویت سواد رسانه ای آنها از سوی دیگر است. اتخاذ چنین سیاستی همچنین موجب اعمال تدابیر پیشگیرانه مناسب و ضروری جهت عقیم نمودن جرم و مقابله با بزهکاری در فضای مجازی و نیز تدوین قوانین کارآمدی در راستای مبارزه با جرایم این عرصه می باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱- منابع عربی

۱. انصاری، شیخ مرتضی، (بی تا) کتاب المکاسب، ج ۲، مکتبه اهل البيت (علیه السلام).
۲. خمینی، روح الله، (۱۳۸۷) مناہج الوصول الی علم الاصول، ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی (قدس سره).
۳. سلطان العنزى، سعود بن ملوح، (بی تا) سد ذرایع عند الامام ابن قيم الجوزیه و اثره فی اختیاراته الفقهیه، نشر دارالاثریه.
۴. مجلسی، محمد باقر، (بی تا) بحار الانوار، جلد ۷۲، دفتر انتشارات

۲- منابع فارسی

۵. آقای، سارا، (۱۳۹۶)، رسانه و جرم از منظر جرم شناختی فرهنگی، دوره ۴، شماره ۱، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناختی.
۶. ابو ذری، مهرانوش، (۱۳۹۵)، جرم شناسی جرایم سایبری، چاپ اول، میزان، تهران.
۷. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ چهل و ششم.
۸. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۳)، جرم شناسی پیشگیری، چاپ سوم، میزان، تهران.
۹. بهره مند، حمید، کوره پزود دیگران، (۱۳۹۳)، راهبردهای وضعی پیشگیری از جرایم سایبری، آموزه های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۷.
۱۰. پورنجفی قوشچی و دیگران، (۱۳۹۹)، پالایش فضای مجازی در پرتو اسناد حقوق بشری، آموزه های حقوق کیفری، دوره ۱۷، شماره ۱۹.
۱۱. جلالی فراهانی، امیر حسین، (۱۳۸۵)، تروریسم سایبری، فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۰.
۱۲. جوکز، ایوان، (۱۳۹۴)، رسانه و جرم، ترجمه محمد تقی نوری، مجد.
۱۳. جیشانکار، کی، (۱۳۹۴) جرم شناسی فضای مجازی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، میزان، تهران.
۱۴. داشاب، مهریار، (۱۳۹۶)، تاملی بر کنوانسیون لائزاروته شورای اروپا در خصوص حمایت از کودکان در برابر استعمار و سوء استفاده جنسی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره بیستم، شماره ۶۰.
۱۵. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، (۱۳۶۹)، تشریح المطالب؛ شرح فارسی بر مکاسب، ج ۱.
۱۶. رحیمی نژاد، اسعیل، جرم شناسی، (۱۳۹۴)، جرم شناسی، چاپ چهارم، انتشارات فروزش، تبریز.

۱۷. سیدثانی زاده، سیدمهدی، (۱۳۹۲) بررسی جرم شناختی جرایم تقلیدی، دایره المعارف علوم جنایی، مجموعه مقالات علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، نشر میزان.
۱۸. طهان طرقي، محمد، (۱۳۹۵)، تحلیل جرم شناسانه جرایم مبتنی بر نفرت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مشهد.
۱۹. فرهادی آلاشتی، زهرا، (۱۳۹۵)، پیشگیری وضعی از جرایم سایبری: راهکارها و چالش‌ها، چاپ اول، میزان، تهران.
۲۰. قرائتی، محسن، (۱۳۷۴) تفسیر نور، جلد‌های ۲ و ۶، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. گسن، ریمون، (۱۳۹۲)، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ پنجم، مجد، تهران.
۲۲. لنکرانی فاضل، محمد، (۱۳۸۱) اصول فقه شیعه، (تقریرات درس خارج اصول)، به قلم محمود و سعیدملکی اصفهانی، ج ۴، نشر مرکز فقه‌الائمہ الطهار علیهم السلام.
۲۳. مالمیر، محمود و زرخ، احسان، (۱۳۸۹)، پیشگیری از بزه دیدگی سایبری، مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره هفتم.
۲۴. محسنی، فرید، (۱۳۹۷) نظریه‌های جرم شناسی، نشر قوه قضاییه، چاپ اول، تهران.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۵)، از جرم شناسی حقیقی تا جرم شناسی مجازی، دیپاچه در: جرم شناسی، پیکا، ژرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، میزان، تهران.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۵)، جرم شناسی در آغاز هزاره سوم، دیپاچه در: دانشنامه جرم شناسی از: علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم بیگی، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش، تهران.
۲۷. ویلیامز، فرانک پی و مک شین، مارلین دی، (۱۳۹۸)، نظریه‌های جرم شناسی، ترجمه ملک محمدی، حمیدرضا، چاپ هفتم، میزان، تهران.

۳-منابع انگلیسی

۲۸. Akgul, M, & Kirlidog, M., (۲۰۱۵), Internet censorship in Turkey, v.۴, I.۲, Journal on internet regulation.
۲۹. Black P., (۲۰۱۴), conflict theories of crime, in book: the encyclopedia of criminology and criminal justice, chapter: conflict theories of crime, publisher: Wiley Blackwell.
۳۰. Cohen, L& Felson, M., (۱۹۷۹), Social change and crime rate trends: A routine activity approach, vol, ۴۴, American Sociological review.
۳۱. Danquah, P & Longe, O, (۲۰۱۱) An empirical test of the space transition theory of cyber criminality: investigation cyber crime causation factors in Ghana, ۲(۱), African journal of computing & ICT.
۳۲. Dolunay, A & et al., (۲۰۱۷), Freedom of mass communication in the digital age in the case of the internet: Freedom House and the US example, open access journal. vol. ۹ (۱۰).
۳۳. Greer, Ch., (۲۰۱۳), crime and media: understanding the connections, political science.

۳۴. Jaishankar K., (۲۰۰۸), Space transition theory of cyber crimes.in book: crime of the internet, chapter: space Transition Theory of cybercrime ,Publisher person.
۳۵. Kethineni S & et al., (۲۰۱۷), use of bit coin in dark net markets: Examining facilitative factors of bitcoine related crimes, American Journal of criminal Justice, doi: ۱۰. ۱۰۰۷/ s ۱۲۱۰۳-۰۱۷-۹۳۹۴-۶.
۳۶. Mcneeley, Susan, (۲۰۱۵), Lifestyle-routine activities and crime events, Journal of contemporary criminal Justice,Vol. ۳۱(۱).
۳۷. Reyns, B., & Henson, B ., (۲۰۱۳),Security in a digital world: understanding and preventing cybercrime victimization,v.۲۶,security Journal.
۳۸. Vicks, M.,(۲۰۱۳),An examination of internet filtering and safety policy trends and issues in south Carolina,s K-۱۲ public schools, NSU.

Criminological investigation of cyberspace in occurrence of crime

Abstract

Cyberspace, in addition to changing the way traditional crimes are committed, has also led to the production of new crimes that have come into being with the advent of the Internet. Given the wide range of destructive consequences of crimes committed in cyberspace or with its help, the scientific study of these crimes, by reflecting on the causes of users' tendency to cybercrime and also examining the factors affecting .Victimization in cyberspace , to eliminate or limit Criminal factors and the use of measures to curb delinquency seem necessary. This requires the use of theoretical foundations and criminological findings. The present study seeks to scientifically investigate cybercrime through various theories of criminology with delinquent and victim-centered approaches. Such studies can guide that policy makers of criminal policy, both legislative and judicial, in adopting practical solutions to prevent cyber delinquency and victimization.

Keywords: cyber space, cyber delinquency, cyber crime, cyber victimization, prevention of crime